



جمهوری اسلامی: در صفحه ۲

ادامه جنگ در سراسر اشیب

فعل و انفعالات درون کشور هر روز سرعت بیشتری گرفته و وخامت اوضاع بیشتر می شود. در همین یک ماه گذشته چه در عرصه جنگ ارتجاعی و چه در میدان تنازعات درونی حکومت، حنا ن گرفتاری گریبان رژیم را گرفته و مخالفت و درگیری علنی میان نیروهای رژیم در اینجا و آنجا آشکار شده که زمین را بیش از هر زمان زیر پای فقها بلرزه در آورده است.

ورق جنگ دیگر مدتهاست که برگشته، تحریر ارتش عراق در زمین که از با زمین گیری فاش و شروع شده با عملیات در محور شلمجه - بصره و بیرون راندن نیروی فقها از مواضعی که برای تسخیر آنها متحمل تلفات بسیاری شده بودند، بعد و کیفیت تنازعه ای با فتنه است. و این در حال لیست که فضا ر نیروی هوایی نیز بقوت خود باقیست. و با به آتش کشیده شدن تاسیسات پالیا نه نفتی لارک و نفتکشهای غول پیکر حامل نفت ایران، تداوم حملات بر مناسط صنعتی و اقتصادی و مانور نیروی شهرهای ایران! اعمال فضا ر همه جا نبه ای را از سوی عراق نمیتوان میدهد. انعکاس این فضا ر در درون حکومت است.

تا زه ای به بحر ان داخلی نیز داده است. بعد از انتخابات مجلس، درگیری جناح طرفدار با زار با حکومتگران اصلی به اشکال گوناگون حتی بصورت اعتراضات خیابانی و درگیری های خشن بروز کرده است. جناح اصلی حکومت سرای عقب را ندن رقیب در انتخابات به شبهه های کودتائی دست زد و از ابزارهای استفاد کرده که حذف مکناسیمهای قانونی بود. آنها بوسله دخالت مستقیم خمینی بررسی انتخابات دور اول توسط شورای نگهبان را که میتواند موانع غیر قابل حلی بوجود آورد محدود کرد تا خمینی با ارسال نامه ای به شورای نگهبان اعلام کرد که نامه سنده شخصی او موضوع را بررسی کرده و سلامت انتخابات مورد تأیید است و شورای نگهبان را ملزم بسمه تا تصد انتخابات و برگزاری دوره دوم آن نمسود. این شبهه بر خورده که استفادها از اهلای قانونی و روش های معمول و تاکتیوی را برای جناح

انتخابات فرانسه

در صفحه ۶

پیرامون ماجرای سیتته پاریس

حتما تصدیق خواهند کرد که در اسبوه شسته های آنان حتی بک، دلیل اصولی و منطقی برای مخالفت با ورود این حزب به سسته پاریس و قرار گرفتن آنجا در کنار دیگر نیروهای سیاسی وجود ندارد. البته این گروهها با ژستی حق بخا نب و استناد به یک حق دمکراتیک، که طبق آن هر کس مخالف است با هر که ما بل بود زیرک سف رود سعی کرده اند دلیلی برای توحه کوبه بستی سیاسی خود و قرار دادن برش که چرا ما به مخالف حزب مزبور بودست و با کنند. ما زمان وحدت کمونسستی که در زمان اسن گروهها به دفاع از دمکراسی معروف تراست و سبب حرارت ترا زد دیگران از حقوق دمکراتیک دفاع می کند! بپترا زد دیگران هم اهل مسئله را دور میزند، وقتی در اعلامیه اسبب ۲۷ آوریل مسوسد: "اینکه امروز هویت سیاسی و نظری این حزب ان "خند" حسست و با چه چیزی آنرا از گذشته خاست - بارش خدا می کند - البته اگر ما با ستوان حسن تمازی را در ناحیه ای کمانی دد، که ما لبسان سال در درون حزب توده بیوروش ما فته و تا مسز استخوان توده ایند - فعلا و در اینجا مورد نظر ما

سبته پاریس در ماه آوریل گذشته، بدستال ورود "حزب دموکراتیک مردم ایران" به این محل شا هدکشمکش ها و مجادلات تا زه ای میان گروههای سیاسی ایرانی بود. داستان کلازا سن قرار بود که اغلب گروههای سیاسی سبته و ورود حزب مزبور به این محل مخالفت داشتند و اظهار میداشتند که این حزب، همان حزب توده است و سبب با جا زه مدهم در کنار ما و زیر یک سقف به تبلیغ میردازد. اسن گروهها که شا مل (حزب کمونسست کومه له، حرسان توکل، سازمان وحدت کمونسستی، کمیته خراج ار کشور اندزهری و سرخی محافل دیگری شد) پس از عدم موفقست در جلوگیری از ورود "حزب دموکراتیک مردم ایران" تصمیم گرفتند به قول خودشان سده و "گرایشات انحرافی، ضد انقلابی و مرتدین" در روزهای شنبه در سسته فعلا لبت کنند. علت اصلی شکست این گروهها این بود که رفتای ما با مراحت و قاطعیت از حق حزب مزبور دفاع کردند و زیر بار فضا را بین گروهها نرفتند و موضع آنها را در این مورد غیر منطقی و انحرافی دانستند. کسانی که در حرت ن سحت های این گروهها بوده اند و قسمت داشته اند که علامه های مطول شان را سخا نند

در صفحه ۳

گزارشاتی از برگزاری مراسم اول ماه مه

جنبش توده ای - ۱-

فلسطین

در صفحه ۴

مصاحبه با دکتر لوتها رها یئریش

در صفحه ۱۴

"سرخ، رنگ، ماست"

شعری از آفریقای مبرز

در صفحه ۱۱

"ستون آزاد"

خانواده و ازدواج

اوین، ۱-

جاده ای از شمشیر

گزارش از سرک آندرسه قسمت جاب می کنم

عین گزارشی است که از یک رقص به ما رسیده است. تنیا نام آن و طبعه شیرهایی که ملاحظه می کنند را ما بدان افزوده ام.

تنیا

درگاه خوسن و برتر جوانا لوده شیا دت می دهد

که سره های

سراده ای از شمشیر گذشته ام.

"ساعت ۶ صبح بود که از خانه سرون آمدم و رهگذرانی که عطفه و سر درگسارن به سرکارخدی می رفتند را دیدم. آسمون گرفته بود و عیس سسل در صفحه ۷

ادامه از صفحه ۱

جمهوری اسلامی:

ادامه جنگ در سراسیم



طرفداربازار محدود و نمودار این جناح را وارد کرده به شیوه‌های جدیدی از جمله استفاده از نقطه ضعف اصلی رژیم یعنی جنگ دست به افشای بزنند و جناح مسلط را به عقب نشینی وادارند.

در همین دوره است که آنها با عنوان کردن "مضرات جنگ"، صدای "ملح" را از درون خود رژیم بمدد در آورده اند و این صدای تازه‌ای است که در درون رژیم‌ظنین افکن میشود.

تا جاییکه بلندگوهای تبلیغاتی رژیم جهت تکذیب وجود چنین خواستی از جانب آخوندهای حاکم جناح رقیب یعنی جامعه مدرسین قم، گلمایگانی و نجفی مرعشی، بکار افتاد. واقعیت آنست که در شرایطی که فشار نظامی عراق بسرای واداشتن رژیم فقیرا به پذیرش صلح با لگرفته و در شرایطی که تنفر توده‌ها از جنگ و خشم آنها از فلاکت

و ویرانی تا بالاترین درجه متراکم شده و از بسراز لفظی به حرکت اعتراضی نیز کشیده شده و در شرایطی که قدرت بسیج نظامی رژیم تا شین ترین حد کاهش یافته و بقول رفستجانی‌نژاد: "نستله اندنیروی کافی برای عملیات را ندارد" بیستند، جناح رقیب، که در انتخابات با فشار و "سرکوب" روبرو بود، در مدد استفاده از سازمان صلح بعنوان یک شیوه تعرض به بحریف و سوار شدن بر موج برآمده است.

اگر بنا به طرح سندهمبستگی خود حکومتگران، همه درسی آنند که "صلح تحمیلی" را بجای جنگ نشانند، این صدا زگوشه و کنار خود رژیم امروزیش از هر زمان رژیم را در تنگنا قرار می دهد و این در حالی است که بحران همه اینها دیسابقه‌ای رسیده و صدای پای طوفان بگوش می رسد. رژیم در برابر این بحران که مستقیماً با موقعیت او در جنگ و فشار همه جانبه برای ختم آن گره خورده، نیاز به ساختن سخیای سریع و متناسب با موقعیت کنونی دارد. یعنی با بیدار موقعتی ضعیف و ناخواسته با کانون اصلی (جنگ در لحظه حاضر) برخورد کند. واقعیت آنست که

جناح اصلی حکومت نیز به عدم توانایی فرد در صحنه جنگ پی برده و می دانند که در وضعیت کنونی دستشان در آنجا به چیزی بند نیست. اما فقیرا نمی توانند دست از ادامه جنگ بردارند. چرا که این جزیمنای شکست استراتژیک در جنگ سست. امری که اهمیت حیاتی در سر نوشت فقیرا دارد. و اکنون که همه بر آتش صلح ساکتند، هر نوع حرکت جهت پذیرش

این فشار ریزی جز پذیرش شکست بزرگ نیست. اگر شکست قطعی نظامی که حاصل رژیم اسلامی در سراسیم آن قرار گرفته در طول زمان معنی صورت خواهد گرفت، پذیرش صلح معنی اعلام پیش‌رس آن خواهد بود. امری که بیستابک شکست سیاسی بزرگ در موقعیتی که فقیرا در حصره تنازعات درونی گرفتارند و با تنفر مسرا کم شده توده‌ها روبرو هستند، حاصلی جز از ترک کردن شکاف و فوران خشم نوده‌ای

نخواهد داشت. بی جهت نیست که خمینی در سراسیم خود در آغاز کار مجلس سوم در روز ۷ خرداد سالجاری حاکی از درماندگی در جنگ و ضمن اذعان به ماکامی می گوید چیزی در جنگ نداشتند که از دست ندهد و راه حل را کماکان در حیطه‌های داد و ستد مذاکره را مردودی شمارد. این خطی است که سندهمبستگی با خارا را ادامه می دهد!

مرک بر جنگ! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!

جنبش توده‌ای فلسطین

مباحثه با دکتر لوتها رها یئریش - ۱-

قیام توده‌ای در فلسطین

مباحثه‌ای با دکتر لوتها رها یئریش نویسنده و محقق کمونیست آلمانی

مباحثه زیر با دکتر لوتها رها یئریش نویسنده و محقق کمونیست آلمانی در زمینه مسائل خاور میانه بعمل آمده است. وی یکی از اعضای هیئت تحریریه نشریه "الکرامه" - به زبان آلمانی - است که ویژه همبستگی با خلق فلسطین و سایر طبقه‌های منطقه می‌باشد. دکترها یئریش در این مباحثه اطلاعات و نکات مهم و تازه‌ای را طرح کرده است که اطلاع یافتن از آنها برای فعالین نهضت کمونیستی و کارگری ایران و خوانندگان نشریه پیام کارگر از نظر روشن‌نگری در باره انقلاب فلسطین دارای اهمیت زیادی می‌باشد. با تشکر از وی به درج این مباحثه می‌پردازیم:

س: چشم‌انداز قیام مجاری در فلسطین را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
ج: قبل از سخن گفتن در باره چشم‌انداز قیام خلق فلسطین، بهتر است بیان این قیام بر علیه اشغالگران صهیونیست بر شمرده شود و برای اینکار دلائل عینی قیام، دلائل ذهنی که در این مقطع مشخص منجر به قیام شده اند و مهمترین مشخصه قیام که آنرا از جنبش‌های قبلی، از زمان اشغال بقایای فلسطین در سال ۱۹۶۷ به بعد متمایز می‌کند، طرح شوند.

اشغالگران صهیونیستی به کرات در مقابل افکار عمومی جهانی خود را منصف معرفی می‌کنند و این ممکن است در جهات معینی نیز چنین باشد، ما روشن است که خلق فلسطین که تحت حاکمیت بیگانه زندگی می‌کند، برای پایان دادن به رنج خود، کسب حقوق ملی و شرف انسانی خود پیکار می‌کند. این به تنهایی بعنوان دلیل عینی کفایت میکند.

اینکه قیام دقیقاً در نوا روزه شروع شده و در آنجا به رزمنده‌ترین شکل بوده است، دلائل خاصی خود را دارد. نوا روزه که قبل از اشغال تحت قیمومت مصر قرار داشت از همان زمان به واسطه رانده شدن پناهندگان فلسطینی از اسرائیل کنونی (تا سال ۱۹۴۸) پرجمعیت‌ترین منطقه دنیا بود. بیگاری، کمبود مکان، و تهی دستی در سالهای اخیر روبه افزایش بوده است. از ۳۶۰۰ کیلومتر مربع مساحت این منطقه، اشغالگران ۳۵۰۰ نفر را کنین شهرکهای یهودی نشین و ارتش اسرائیل - یک سوم را به خود اختصاص داده به نحوی که نیم میلیون ساکنین فلسطینی در بقیه مساحت این منطقه در فقره شده اند. هم‌زمان در این منطقه روابط اجتماعی آنها بسیار رفته رفته بوده و سنت و متا از همه جای قوی تر است. مقاومت مسلحانه سالهای اول اشغال که توسط "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" قویا

سازمان داده می‌شد گواه این امر است. این سازمان هنوز توضیح نمی‌دهد که چرا قیام از دسامبر ۱۹۸۷ آغاز شده و ویژگیهای معینی - که در ادامه گفتگو بدان خواهیم پرداخت - دارد.

از جمله مهمترین دلائل ذهنی از یک سو این است که استراتژی دیپلماتی رهبری راست سازمان آزادی بختن حول یا سرعرفا که میخواست خود را بر حمایت آمریکا و دوستان عرب این کشور متکی کند به وضوح به شکست انجامیده است. در اوایل سال ۱۹۸۷ سازمان آمریکا و اسرائیل طرح قطعنامه‌ای را در سازمان ملل به شکست کشادند که از کشورهای عضو میخواست که تلاش بیشتری برای برپائی یک کنفرانس صلح ظور میانه به عمل آورند. یک ماه قبل از آن کنفرانس فوق العاده اتحادیه عرب در زمان آنکارا رخ داد که اکثریت کشورهای عربی در آن زمان آنرا مناسب میدانند که حمایت خود را از امکان سازشی با اسرائیل که مستلزم عدم توجه به منافع خلق فلسطین از سوی سازمان آزادی بخش باشد عملی سازند. از سوی دیگر موفقیت‌های اخیر نهضت رها یئریش بخش ملی فلسطین قرار دارند. از مقطع پس از رانده شدن از لبنان سازمان آزادی بخش فلسطین، توجه بیشتری به سازماندهی در سرزمینهای اشغالی مبذول داشته و در ماه آوریل ۱۹۸۷ در الجزیره بزنگشت جبهه خلق و وحدت مهم ترین سازمانهای عضو سازمان آزادی بخش بدست آمد، اگرچه به دلیل احتمال جرحش تا کتیکی رهبری راست سازمان آزادی بخش از استراتژی نزدیکی به امپریالیسم، از نوع قرار دادمان، در لبنان نیز فلسطینی‌ها در اردوگاه‌های کوچک خود سبزه درختیلا لشگرکشی به قصد ریشه‌کنی آنان که از سوی اهل صورت گرفته است را با قربانی‌های بسیار و به برکت استواری قهرمانانه، پس رانندند. و بالاخره در تاریخ ۲۵ ماه نوا میره مان سال، بعداً ثبات جبهه خلق موفق شدند که از لبنان با هواپیماهای بدون موتور مخصوص دریک اردوگاه نظامی صهیونیستی فرود آمده و بسیاری از سربازان صهیونیست را به هلاکت رسانند و خود نیز به شهادت رسیدند. این عوامل از یک سو آخرین توهانات در باره مکان یک شبه راهل امپریالیستی را در میان خلق فلسطین از بین برده و از سوی دیگر به وی تسوا ن لازم برای برپائی قیام - از پنجم ماه قتل - سر علیه دشمنی وحشی و نیرومند چون صهیونیسم و یکی از مهمترین حلقه‌های سیستم جهانی امپریالیستی و تداوم آن را داد. وقتی بک خود روظنمی اسرائیلی در اردوگاه‌ها و اردوگان حبلیه در نوا روزه آشکارا به عمد یک اتومبیل غیرنظامی را زبر گرفت و هرچقدر سرنشین فلسطینی آن را کشت، شعله‌ای که بشکست با روت را به افکار رکناندر فروخته شد.

اما لازم است که ویژگیهای قیام جاری که احتمالاً برای زمان طولانی تری شد و م خواهد یافت را بر شمایم، مهمترین خلعت جیش این است که وی بلحاظ اجتماعی و حرفه‌ای همه جانبه و همه گیر است. در مقایسه با تمام برآمدهای تسوده‌ای پیشین که از سوی اساکا رگران، دانشوران و سایر گروههای اجتماعی صورت گرفته و غالباً در محدوده شهرها یا اردوگاه‌های خاصی محصور مانده بودند، نهضت کنونی در متنوع ترین اشکال تمام طبقات جامعه فلسطینی و تمام مناطق، شهرها و روستاها را در بر گرفته است. در این ارزیابی نماسندگان جنبش رها یئریش فلسطین با کارشناسان اسرائیلی از جمله پروفیسور یوشوا یورا ث، اتفاق نظر دارند. خلعت دوم قیام، در حمان زمان ساختگی آن است. در مقابل نظریاتی که این برآمد را خود بخود و خارج از محدوده نفوذ سازمان آزادی بخش سازمانهای عضو آن ارزیابی می‌نمودند، اکنون مدت‌هاست که آشکار شده است که این برآمد توسط "رهبری ملی متحده" سازمان یافته و تنها جنبش را بطه‌ای تداوم سی و وقفه آن برای مدت پنج ماه را ممکن کرده است. این رهبری ملی متحده شامل نمایندگان و طرفداران تمام سازمانهای مهم فلسطینی - یعنی قبل از همه: الفتح، جبهه خلق، حزب کمونیست و جبهه دمکراتیک - و نیز نیروهای اسلامی می‌باشد و بر مبنای شرایط محلی وظایف مبارزاتی را تعریف نموده و شعارهای آنرا مشخص می‌کند. مبارزات تا کنونی در چارچوب استراتژی و برنامه سازمان آزادی بخش و "رهبری ملی متحده" وابسته به آن قرار دارند.

س: ارزیابی شما از سیاست دولتهای عربی منطقه، سبزه مظلوم را درن جست و اسن ساختها چه تا شیراتی با توجه به طبقات مختلف جامعه فلسطینی دارند؟

ج: سیاستهای کشورهای عرب در قبال قیام... منتهای مابیت طبقاتی آنها و منافع ویژه مربوط به هر کشور قرار دارد. برآمد توده‌ای در فلسطین برای رژیمهای فاسد و متمایل به امپریالیسم جهان عرب، یعنی اکثریت قریب به اتفاق آنها، خطراک است. تمام این رژیمها درجات مختلف، در قبال مردم خود و یا توسط، به قریب پان عربی و ناسیونالیستی در تلاش کسب حداقل مشروعیت در باره مسئله فلسطین برای خود می‌باشند. مقاومت قهرمانانه توده‌های فلسطینی به خودی خود خطراکنگ توده‌های خلق در این کشورها عمل نمودن از سوی دول خود سبزه وعده‌های فریبکارانه را طلب کرده و از آنها نخواهد که او را در دگرگیری حدی با امپریالیسم - خدای واحد این دول - شوند را می‌پروا نند. در اینجا نقش

مصاحبه با دکتر لوتیتها رها بینریش

توده‌ها و فلسطینی بعنوان سرنقوی برای مبارزه برای خواسته‌های اجتماعی از سوی این خلق مطروح است. این ظریف صورت عملی بوسه برای دولتی که مدت‌هاست روابط فشرده‌ای با صهیونیستها دارند یعنی دولت اردن، مصروف‌راکتی وجود دارد. بنا بر این تعجب آور نیست وقتی می‌شنوم که حسنیه مبارک پیشینیا دآتش‌سوزی بین سرکوبگران صهیونیست و خلق تحت ستم فلسطین را دقیقاً در اسن مقطع طرح می‌کند، مقطعی که این خلق با قیام خودتوان‌نوا را به سودخوش به هم می‌زند و با ملک حسنیه پیشینیا درامیمانه و از ته قلب مورد حمایت قرار می‌دهد. در هر سه کشور، تظاهرات به همستگی با خلق فلسطین انجام شده و با دستگیری و زندانی شدن صدها مبین برست و جدا قتل در مراکش یا اعدام‌سازی از آنها خاتمه یافته است. تنها و مقیام در فلسطین موجب شده است که دشمنان عرب این خلق فعال‌سکوت اختیار نکنند. سرخورد محتاطانه آنها در راه طرح جرج شولتزگواه این ادعا است. اینان سراسری موقعیت‌های بهتر و راحت‌تر در عقبه‌شناری می‌کنند. در طرف دیگر اما کشوری چون سوریه قرار دارد که قیام را حداقل در حرف مورد حمایت قرار می‌دهد و این به این دلیل که شانس با زس گرفتن ارتفاعات جولان را بهتر کرده و موقعیت رقبای عرب را در مبارزه برای هژمونی در منطقه تضعیف کند. حمایت شخصی اما صورت نمی‌گیرد تا زدرگیری مستقیم اسرائیل و امیرا لبیزم اجتناب شود. در این رابطه نیاید ز نظر دوردشت که سوریه به مقدار قابل ملاحظه‌ای با کمک‌های مالی عربستان سعودی و سایر دول عربی خلیج زندگی می‌کند. علاوه هم بررسی‌های انجام شده در سرزمینهای اشغالی نشان می‌دهد که نفوذ اردن در این سرزمینها بسیار ناچیز است و غالباً دوران حکومت اردن به مراتب بدتر از حکومت صهیونیستها تصویر شده است. بنا بر این قیام توده‌ای موقعیت طرفداران اردن در فلسطین و قتل از همه نمایندگان بورژوازی و شرافت سنتی و سس هم به اصطلاح "مانه‌رو"ها را شدت محدود کرده است.

س: برآمدتوده‌ای چه تاخیراتی برجا مع اسرائیل دارد؟

ج: برآمدتوده‌ای در فلسطین طبعاً به بولاریزاسیون جامعه اسرائیل منجر می‌شود. خصلت میا حیرت استعما رگرمیونیونیسم به نوبه خود، قتل از همسه گراشات ارتجاعی، شوونیستی و ضدعربی را تقویت می‌کند و بنا بر این درجه بولاریزاسیون جامعه اسرائیل به این بستگی دارد که تا چه میزان برآمدتوده‌ای با اتکاء به اشکال مبارزاتی و تداوم آن، تا شرمستقیم سز زندگی جمعیت نهسودی داخل اسرائیل داشته و این جمعیت را تا چه سزانی به اتخاذ تصمیم مجبور می‌کند. به سزایی که نسام توده‌ای و وشبه‌های خشن مبارزه با آن گراشات فاشیستی در داخل اسرائیل را تقویت می‌کند، بخش

در حال رشد صهیونیستی‌های "لسر"ال "در د" حل و حارج از اسرائیل را نیست به اس کورنگا نگه کرده و تا بد برای همسه مومعت نبودن عرمیونیوسست و صدمیونیوسست را نفویب و شاس راه حلی عسبر. انقادی (غرمذهنی)، مرفی و دمویکرتنگ را برای بحران خاور میا بدینود بخند، این اسما مربوط به آسند است، امروز سیداسی که جواهان راه حلی برای مسئله فلسطین با قبول تحق فقی ملی خلق فلسطین می باشدنگ افسانان و کوچک را تشکیل می دهند.

س: نظرتما درباره اعراب اسرائیل و سروهای ترقیخواهان کشور چیست؟

ج: اعراب داخل اسرائیل فعلاً به قیام بوده‌ای اسرائیل همستگی نموده و نعلق خود را به فلسطین مورد تا کید قرار داده اند. این سخن در حال رشد جمعیت اسرائیل و سز سبروهای ترقیخواه بیهودتتها وقتی می توانند نقش سزگی را ایفا کنند که ساطق اشغال شده در سال ۱۹۶۷ آزاد شده و در آنجا یک دولت - امیدوارم - بلحاظ احتمال عسی و سیاسی نمونه برای منطقه و ترقیخواه تشکیل شود. آنگاه صهیونیسم زده‌ای قطعی جامعه اسرائیل - بنما به پیش شرط زندگی مشترک و صلح آمسب - بیهودان و فلسطینیان در دو کشور و یک کشور لاغ و دمویکرتنگ مشترک، در دستور کار قرار می‌گیرد.

س: چه نظری درباره طرح شولتزگواه دارید؟

ج: بطرما عدی ندارم. این طرح یکی از تلتانیهای متعددی فاشده و در عین حال خطرناکی است که می‌خواهد مسئله خاور میا نه راه نحوی حل کند که تا یک جراحی ترشیی این منطقه در راستای مصالح امیرا لزوم آرا شده و شات باشد. در این جهت ندا و سبات اسرائیل به مناسبه مرکز ثقل انگاه امیرا لرم مورد توجه طرح شولتزگواه شده و سبه خلق فلسطین سرکوب پوشیده توسط رژیم اردن و کنترلیهای سپائی دیگر توسط اسرائیل اعطی می‌شود. بنا می‌کنندگان فلسطینی عامل اصلی در نفی برآب شدن اس طرح و انواع مشابه آن هستند. قیام آنها را یکسبه زشکاران عسبر حرأت شرکت در اس سرهم بندی را نداشته و اسوی دیگر مومعت اعرابون صهیونیست را در طراف شاسر. که جود حا صره دادن کوچکرس و ناچر - ترس امتیارات لازم برای این طرح نیست. را نفوست می‌کند.

س: طبقاً با جامعه فلسطینی در مقابل طرح شولتز چه موضعی اتخاذ می‌کنند؟

ج: بحث شرایط وجود انقادی بوسعه ما سسه و توسط اسعما ردمورمه شده و میمنرا زهمه تحت سزب سرکوب، هورهمه طبقاً با اس جامعه خود را قبول سزنا مه‌ای دصفا شعریف شده و سبک، شده اربرمه - های با سزطیفات شکل بداده اند. بطور عوممی می‌توان گفت که بخشی از بورژوازی همسه برای ما نوردن آمدگی و تمایل دارد. یک سبه برای انگوه ما سوره با سسورا، با شرتربه العحرکه در اورتلیم (ست الممدن) شوقی سز می باشد

می باشد که سوا اولسن فلسطینی سرشاس در یک گردهمایی جشن لسرال - میونیوسسی "طلح" گسور "شرکت کرده و تلتانی ریادی سمود که خود را سزای طرح صلح آمریکا که مورد حمایت وزیر خارج اسرائیل، شمون سزیمی باشد، معرفی و تبلیغ کند. سز آن، اطراف وی ناحدی خلوت شده است. و قی که فم بدون نتحد سزگی سرکوت کند. قدامات مناسبه از سوی سوزواری مارشکسز فلسطینی مجددا صورت خوا هدگرت، حسن سزو - هائی در داخل سازمان آزادی بخش و سسار همدر رهبری سازمان عرمهنگ العنح سز وجود دارد.

ادامه از صفحه ۳
پیرامون ما اجرای سیتته پاریس

امروز سردمدار حسن حقی "حزب کموسس" کومه له است که با مراحت از طریق اسناد حریمی خود در مورد مسل کردن سازمان هائی چون "سودو" اکثریت و محازات دست اندر کاران آنها حسن می گوید اما نه تنها کلمه‌ای در باره حاسن هائی گروهیدی فدسوری اسرائیل نگه نگه تمام، با آنها دست به وحدت عمل می‌زند و سزو - های آنها را به صفوف خود سرفرامی حواد. و در اس منان، حران توکل را می سسم که در عمل و در همجا بدنال حبیب خلی روان است. اسس حران که در حرف، با اصطلاح سا کسند خج خود، با د، زهری، سز سوسال امیرا لسم بررسدی می‌کند، نا توان از درک، مضمون واقعی حرکت "حزب کموسس" کومه له از اتخاذ موضع مستقل در عمل درمی‌یاسد و اینها و آند سا کرمد سوزوی هم‌آوا می‌سود. از طرف دیگر اس حران گسج سز درکی اردمکراسی ندا در در اسکوه حواد سز در کردگرا رهمان کسای قرار می‌گیرد که همدا سز مسئولیت حصاداری گدسند را بر سز آنها خسرات کسزده اسسب. حنین عوامی اس که با عسب شده مسالده‌ای به اس روشی، سعی نعر مومصع سیاسی یک عده و درخواست یک حزب ساره با مواص صدر سزی برای حضور در یک محفل دیگر اس اس قدر سنده و غامبی شود. به همس دلیل اس که به جود حق می‌دهم گوسم، علب ملی اس همسه سخت گیری است که حزب مدکور روس و سسل اس، سوال کنس جراسی گروهی که اس همس جراسی خود نشان می‌دهد، وقتی در کنس سز سز سز می‌گیرند جا سراسدی می‌سود.

با کمک‌های مالی خود
سازمان را در امر مبارزه
انقلابی یاری رسانید

انتخابات فرانسه

در هشتم ماه مه گذشته فرانسه و آلمان با ۵۴ درصد آراء برترتیب خود ژاک شیراک پیروز شد. این اولین بار بود که یک رئیس جمهور برای بار دوم در جمهوری پنجم فرانسه با رای مردم انتخاب می‌شد. این یک پیروزی بزرگ برای حزب سوسیالیست و پیش از آن خود فرانسه و آلمان بود. انتخاب میتران با فاصله زیاد به بحران احزاب، دست راستی و امن زد، ژاک شیراک با تصاحب پستهای شهرداری پاریس، نخست وزیر و بانک، به حزب خود RPR موفق به کسب مقام اول در میان کاندیداها دست راستی شده بود. با این باخت، د چارلیک شکست جدی و عقب نشینی در برابر برتریهای خود میسگاردستن وریمون بار در طیف راست گذشت. تا است اوگان می‌کرد که با کسب آرای قابل توجه قادر به تثبیت مقام رهبری "بلا مانع" در احزاب دست راستی، و آنهم برای مدت طولانی خواهد شد. اما آرای مردم یکی این محاسبات را بهم ریخت. اریک طرف رشد قابل ملاحظه حزب فاشیستی "جبهه ملی" لوپن (که نزدیک به ۱۵ درصد آراء در در وراول کسب کرد) بعد معانی بی‌اعتنادهای ارتجاعی ترین رای دهندگان طیف راست به او بود و از طرف دیگر بدون آرای آنان او نمی‌توانست میتران را شکست داد و به شکست آبرومندانه ای دست یابد. اما "جلب اعتماد" این دسته مستلزم چرخش به سمت راست یا حداقل شعارهای نژاد پرستانه و ضد خارجی هر چه آشکارتر بود چرا که بخش قابل توجهی از رای دهندگان به "جبهه ملی" گرچه فاشیست نیستند اما خروج از بحران و بیکاری ناشی از آن را با "حل" مشکل مهاجرت می‌دانند یعنی همان "راه حلی" که توسط تارترین جناح بورژوازی بدین توجهی برای حمله به حقوق مدنی و سیاسی طبقه کارگر، عنوان می‌شود. اما این چرخش باعث راند شدن بخش "میانمرو" رای دهندگان سنتی احزاب راست فرانسه می‌شد و به نظر می‌رسد زمانی که شیراک با مینا مله با خیمتی و حمله خونین به استقلال طلبان کالدونی جدید چهره "مصومت‌الع" برای دفاع از منافع فرانسه و حفظ جان فرانسویها را گرفت، بخش قابل توجهی از "میانمها" در هر اس را "بهم خوردن صلح اجتماعی" به سوی میتران چرخیدند. شیراک حقیقتاً در یک سنگ آسیاب گیر افتاد بود. در مقابل میتران با تکیه بر روی "اتحاد همه فرانسویها"، "حفظ صلح اجتماعی"، "بسر اداری، برابری و عدالت اجتماعی" نقش "متحد کنند" فرانسویها برای تلاش همگانی در خروج از بحران در زمین وفاداری به سنتهای جمهوری فرانسه در رعایت حقوق د مکر تیک همه مواز جمله خارجیها، توانست پایه مستحکم در طیف میانی و چپ میانه را برای خود جستجو کند. پیروزی او ائتلاف سنتی میان "راست" و "راست میانه" را در چار بحران جدی کرد: "چراغ زدن" های میتران به "فرانسویهای غیر-

سویالیست و غیر چپ" برای دست بردار شدن در آن و کوشش برای بازسازی آرام و مد رنیزا سیون علائقی" توام با حدایت از افترا و قشار محروم، کار خود را کرد. در همان حال او خطاب بنا کثرت پارلمانی که از ائتلاف راست و راست میانه تشکیل شده است، سیاست همکاری برای عدم انحلال پارلمان را پیشنهاد کرد. در واقع سوسیالیستها از راست میانه دعوت می‌کردند تا هژمونی سوسیالیستها و بطور مشخص رئیس جمهور سوسیالیست را بپذیرند، به برنام و انلام وفاداری کنند تا در صورت پیروزی، میتران که بویژه پس از در وراول انتخابات کار ملاحظه شده بود، مجلس منحل نشود و کرسی‌های آنان به خطر نیفتد. شرط ضروری تمام این تاکتیکها، ارائه یک برنامه مسانتریمیستی و "معقول" در چار چوب نظام سرمایه داری بود. این شرط بتامی اژجانست، میتران و حزب سوسیالیست رعایت شد. اگر میتران سال ۱۹۸۱ با شعار "تغییر و پیشرفت با چپ" و بر اساس یک ائتلاف (هر چند نیمه مند) با حزب کمونیست و بر اساس برنامه متحد چپ، ائتلافی روی کار آمده بود و همین باعث هراس و تشنج در بورژوازی سقوط بورس پاریس و فرامیبارد ها فرانک سرمایه زفرانسه شد. به بود، میتران سال ۱۹۸۸ با شعار "آشتی ملی" و برنامه‌های خالص رفاه‌مندی و متعادل بهرامت بدون در فای "سوسیالیسم" و یا حتی یک برنامه چپ‌گرنه و صورتی، به روی کار آمد. هفت سال حکومت میتران و ۵ سال دولت سوسیالیست تحول حزب سوسیالیست به یک حزب ناب سوسیالیست و تکرار آشتی جو بود. افع سرمایه داری را تکیه کرد. ۱۰ انتخابات ۸۸ نقطه پایانی بر حیات حزب سوسیالیست به نام حزبی که، حداقل در برنامه و شعارها، خود را "نایند هیچ، د مکر تیک" معرفی می‌کرد، گذاشت. حزب سوسیالیست فرانسه امروزه بتامی در جناح راست ائتلاف سیونال سوسیالیست قرار گرفته است. همین امر است که باعث بحران در راست سنتی و رقابت حزب سوسیالیست با حزب شیراک برای جذب "میانمروها" شده است. اما حزب سوسیالیست، رعایت را از موضع قدرت، با ائتلاف برای در صدی میتران، به پیش می‌برد و دست بهمین دلیل وقتی رهبری راست میانه (یعنی احزاب متشکک در "اتحاد د مکر تیک فرانسه" UDF و بطور مشخص سانتریمستی CDS) پیشنهاد اولیا ائتلاف پارلمانی را رد کرد، میتران در اعلام انحلال پارلمان لحظهای درنگ نکرد. تا مین "میشل روکار"، از رهبران جناح راست حزب سوسیالیست به عنوان نخست وزیر، دادن پست وزارت به برخی از وزرای سابق دولت میسگاردستن و نیز چند تن از

شخصیتهای تکنوکرات، و تکرار پیشنهاد همکاری، مومی نشانگر عزم میتران در ادامه سیاست راست میانه و ائتلاف با احزاب آنهاست. اما از موضع قدرت، از موضع حزبی که صاحب اکثریت پارلمانی است، این دست آنچه تو فان کنونی در صحنه سیاست فرانسه بطور کلی و در میان راست سنتی بطور مشخص را موجب شده است. این انتخابات در زمین حال نمود از ائتلاف فاشیست. نفوذ انتخاباتی حزب کمونیست فرانسه بود. این حزب با کسب کمتر از ۷ درصد آراء، یعنی نصف حزب فاشیستی جبهه ملی، به مقام حزب دست دوم در سیاست پارلمانی فرانسه سقوط کرد. نداشتن یک برنامه منسجم و اتخاذ سیاست رقابت با احزاب بورژوازی برای جاب افشار میانی، بدون آنکه حزب پایه کارگری خود را متقاعد و متحد کرد باشد، در کنار ادامه سیاستهای سکنا رستی و بوروکراتیک، تصفیه های غیر مکر تیک و دواضع متزلزل در رکابید تربین مسائل حیات سیاسی و اقتصادی فرانسه، همه همه دست بردارند تا بدترین شکست انتخاباتی در همه ای اخیرا نصیب این حزب بکنند. حزب کمونیست چیزی برای عرضه کردن و متقاعد کردن طبقه کارگر نداشت و در مقابل ما ثوره ای میتران تنها یک تا شاگر متفعل باقی ماند. ائتلاف بدشعاره های اتحاد بیای نظیر "دستزد حداقل معادل ۶۰۰۰ فرانک"، "پیش سوی تولید جنس فرانسوی"، "دفاع از حقوق د مکر تیک در چار چوب کارخانه"، "صلح، برابری، مساوات"، تنها برای بخش سازمان یافته طبقه کارگر، آنهم نه تامی بلکه آن بخشی را که دول و "دش" کنند راسیون عمومی کارگران جمع شده اند، جذاب بود. با این محدودیت کما این جذابیت الزام خود را در حوزه سیاست برای تبدیل نمی‌کرد. در یک کلام حزب کمونیست فرانسه برنامه فای خروج از بحران، برخورد به مسئله بیکاری و تنها جمهوریوازی به دست آوردن ها و حقوق د مکر تیک کارگران نداشت. از جانب دیگر نیروهای که بعد تا در سمت چپ حزب کمونیست فرانسه قرار دارند، اعمال گروههای چپ یا بخش مهمی از اکتولویستها (طرفداران حفظ محیط زیست، "سبزها") در این انتخابات در مجموع، نزدیک به ۱۰ درصد آراء را کسب کردند. این یک تغییر مهم در نقش و نفوذ انتخاباتی آنان و دلیل دیگری بر ضعف حزب کمونیست، در رسیدن یک نیروی چپ، واقعا موجود و آماده فعالیت بود. در حقیقت حزب کمونیست چنان مشغول "رقابت" برای جلب رای دهندگان متدایل به حزب سوسیالیست و اصولا طیف میانه بود که کوچکترین توجهی به تطبیف حاضر در جناح چپ، خود میدول نمود و تاوان آن را نیز پرداخت. قدرت گیری طیف چپ را در یکال فاکتور جدیدی است که در شرایط ادامه وضعیت بحران سرمایه داری می‌تواند نقش مهمی در بسیج کارگران و زحمتکشان فرانسوی ایفا کند. تمام تغییرات و عوامل فوق الذکر بر این حقیقت بقیه در صفحه ۷

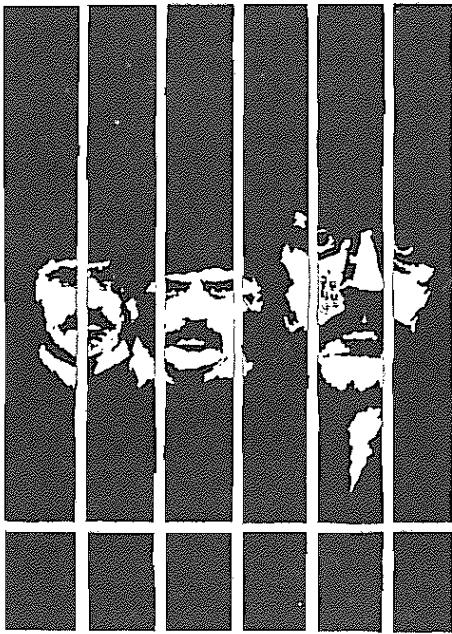
اوین، جاده‌های از شمشیر

۱-

اطاق مال جیبها بود که اکثر نماز می خواندند، مخصوصا تاقی ما که ملاکی مبارکی خواهد. از تو اینها گفتند، خود فروختگی که دست به هر عمل شعیبی می زدند، بعدها خودم دادم، دادم چگونه موجوداتی هستند حتی از آوردن نزدیکان خود، اما شعیبی ندا شدند، هر روز برای خانان گردی، کار در شعبات با زحوشی، اعمال خلاف اخلاق با ابر حوسو سعیه می دادند، درون سدحا سوس دادستان می بودند با گرا؛ ریشهای خودیچه را بر سر کشیدند، همه انفرادی و حتی برای سران را ان مسترسانا ندنو خودشان ترخالی می زدند!!

در حقیقت هر آنچه را که محکوم بود به سببهای آزادی، خود، تخفیف حکم و... بها میدادند. در حقیقت اینها با خنگان راه رسیدگی برافسند شده بودند. هر چند که مبدأ ستم اغلب اینها متحمل جد شکنجه‌های وحشانه‌ای شده اند ولی با همه اینها به آنها حق چنین کارهایی را نمی دادیم. کوچک، ترین اعمال، از صبح تا شب زرد رهن نگه‌ها آنها بود و میدادیم تا با آن هر روز، اما اعمال ما بدست با رجوع میرسد. معلوم نشود در سر کدام بخش - برگشته‌ای عقده‌های خود را حالی خواهند کرد.

* - شاملو - از شعرا است



انتخابات آداما ز صفحه ۶

دلالت دارند که فضای سیاسی فرانسه دچار تحول عینی شده است. در صفا بدی های منتهی "چپ" و "راست" مبارزه سیاسی در این کشور از راه های رخ داد است. تا شراوت و نتایج قطعی این تحول در سالهای آتی خود را با قدرت تمام آشکار خواهند ساخت.

دارند، همه کسانی که مطمئنا حرف نخواهند زد. با لایحه نزدیکهای غروب بود، چون هوا تاریک شده بود، بعد از آن هبما شی طولانی و دشوار که سه دفعات به زمین می افتادم و بسه سخن سبسی بلسد می نمود، به ما ختمانی وارد شدیم و به طبقه دوم رفتیم. در یک راهروی طولانی راه سومدم و دختر و سرها شی را میدیدیم که تا زانوی خود را تا ندسحی کرده اند و با دگرده و خون آلود در داخل نالسون کرده و می نالیدند. با لایحه پشت در تاقی سه انتظار نشتم در طرف راهرو تا تاقی بود که از صدای بهم خوردن درها می شنیدم صداست. جمعیت زیادی در آن راهرو بود. ابتدا آنقدر حسته بودم که سرم به هوا افتاده بود ولی بیکهوسا صدای فریاد دختری از جا پریدم. همراه این سبب فریادها، ناله‌های اطرافمان، تقاضای گریه آلود عده‌ای برای رفتن به دستشویی، همه از درد کلیشه می نالیدند. در تمام مدت صدای فریاد دختری سالن را پر کرده بود در زمین عده‌ای نیز در تاقیهای دیگر با زحوشی میشدند که از سبب معلوم نبود درخسانا ساز داشت شده اند و نتوانستیم از سبب شکنجه سببها را زحوشم شدن می شد که واقعا اینها رهگذری بوده اند و دست از سرشان بر میداشت. تازه اغلشان ۶ ماهه‌الی بکسال با همه سنگنا هبشان می ماندند. چند روز از زمان ما مرخص و گذشته بود و اینها را برای همین گرفته بودند. در سالن معرکه - ای بود از فرسای دوجیب، ناله، التماس، فحش و کشتک و ناسزا به جدوآنا دمجرم. صدای کتک خوردن و فریاد دختری قطع نمی شد. دیگر انتظار که نه بلکه آرزوی مرگش را داشتم چون فکرمی کردم که اینها دست از سرش برند و نخواهند داشت. نمی دانم در چه حالی بودم گویا خردم کمی کناره رفته بود و چندتا رموسبرون آمده بود که ما لگدی سخت بخود آمدیم.

اگر با زحوشتم تمام میشدندس راحت می کشیدم، اما این انتظار چند روزی طول کشید و با راه همان سبب و سرخورده‌ها ...

بعد از مدتها با لایحه بگروز بعد از ظهر بحسبای سلول مرا به بند عمومی آوردند. وقتی وارد بند شدیم چنان جمعیتی رو برو شدیم که املا نسطار ندا شتم. چشمهای بیشماری مرا برانداز می کردند. می خواستند سبب شناختن ما! و شروع به سبب ج کردند. ما تا نگین سنی، خیلی نا شن بود و در حقیقت اکثر اینها به مدرسه‌ای بودند. زیر چشمی عموما سبب دلیل تغذیه بد و فشا رهای روحی وحشی کشود بود. با ما با ندسحی شده ... صدای سبب سبب سبب آ آمده، بعد از سبب دوستانه از اوضاع و احوال سبرون پرسیدند و سپس آنها را اوضاع آنجا گفتند. ترکیب تاقیها، مذهبیها و جیبها، از شش اطاق دو

با رون ما مد. بدنه‌ال کاری رفتیم و دو ساعت بعد دا شتم بطرف خانه میا مدم که دستور توقف ما شن را توسط گشت دادستان می شنیدم. نگاه داشتم و کمتر از چند ثانیه آنها مرا با خونت از ما شن سبرون کشیدند. دوساک در ما شن دا شتم که خواستند در آنها را بساز کنم، بعد از بدین شتره مرا بطرف ما شن خودشان هل دادند. در بین راه بطرف اوین به خیلی مسائل فکرمی کردم، به ما درانی که بعد از شنیدن اعدادم فرزندان ما که اکثر در فقر و سختی بزرگ کرده بودند چگونه موبه وزاری کرده و به سببکی از آنها بیاد می کردند. میگفتند فرزندان ما در جرم حبسیت و عشق به مردم "حرمی" ندا شده اند! ولی راه مبارزه جز این نبود، فقط آرزوی کردم با رعم آنها زیاده نشاید، به آنها می گفتم، ما مبارزه می کنیم که فقر، گرسنگی، بیگاری و جنگ و هزرا ان مصیبتی که خود شما با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اید بداننا بود ما زیم، تا فرزندان ما در فریاد بهترین بزرگ شوند ...

مرا به اوین بردند، بعد از زشتیش بدنی (حتی درون دهان) به تاقی رفتیم که با بگری فحش و بدویرا ه مواجه شدم، دوباره به تاقی دیگری رفتیم و با فحش و مسخره کمی سبب ج شدم. تا اینجا بد نبود و تا زده درونم آتوبی بیاد شد با یک چشم بند و حمل دو ساک همراه در محوطه اوین را می ببومدم و بدلیل راه رفتن با چشم بسته تا کنون، چندین بار افتادم تا با لایحه سبب سبب سبب که تا لالی مجاب سرد و کثیف بود. مدتی فکر کردم اینجا چند نفر هستیم، همان ابتدای ورود صدای پسری که خواست او را به توالیت سبرون در این سبب که لبته با سدا را خونت جواب منفی داد. غریزه‌ها نشان که می خواهد سبب در چگونه‌هایی است، بمن فشار می آورد و دارم می گردا ز زبر چشم بندنگا هکنم با اینکه تهدید شده بودم که اگر نگا هکنی چه وجه می کشم ولی غریزه قوی تر از این تهدیدها بود. سلولی بودند ما بره که قطرش، در میله‌ای بود و نگه‌ها سبرون سبب به ما ابستانه بود. رو بروی ما ما غی بود را ز درخت و گل و بجز ما کسی نبود. روی دوزا نونسنه و سر را روی زانوان گذاشته بودم بعد از مدتی تمدا نمچه مدت آنقدر کم مردم گرفت که دیگر توانایی استندان ندا شتم. در زمین، سرما به مغز استخوان نم نمود که ده بود. گرسنگی نیز فشار می آورد. روی زانوشتم و لسی پس از مدتی دیگر نمی توانستم با سبب سبب سبب سبب زانوشتم همسنگور که روی زانوشتم بیکهوسا هم تا شد و در آنجا تمام کامر خیس بودم و سرما دانست از بیامی ندا ختم. از یکطرف نگارنی نشو سبب سبب اینکه با چه برخوردی رو برو خواهد شد. آما از سبب شکنجه برخوا هم آمد، نگارنی که همیشه همه زندانها



گزارشاتی از برگزاری مراسم

اول ماه مه



● راهپیمایی اول ماه مه در گوتنبرگ - سوئد

روز اول ماه مه صد ها نفر در راهپیمایی جمعی است. همین روز در شهر گوتنبرگ سوئد شرکت کردند جمعیت کثیری از خدایانهای مرکزی شهر می گذشت، شعار می داد: "جبهه سرخ! مبارزه طبقاتی!"، "ما بود بسا د امپریالیسم، زند باد سوویالیسم"، "یوفورس (کپانی سوئدی تولید کننده اسلحه و هواپیمای جنگی کمانچرا معادلات آن باد ولت های ایران و چند کتورد یگر سو

کردید) برگ می فرود آمد و دولت از آن حمایت می کند" رفقای ما با حدل آرم سازمان و شعار "سرنگون بسا د جمهوری اسلامی -- برقرار باد جمهوری دیکراتیک خلق" فعالان ده بعد عوت حزب کمونیست م اول انقلابی سوئد در راهپیمایی شرکت کردند و تعدادی از ایرانیان بسا د بدین شعار سرنگونی چه می بری اسلامی بزبان فارسی از تاشاگران جدا شده و به صف رفقای ما پیوستند در

پایان راهپیمایی نماینده های از "کنگره ملی آفریقا" و "جبهش آزاد پیش فلسطین بدنا سبت روز جهانی کارگر پیام دادند و دبیرکل حزب کمونیست م اول انقلابی د سخنانی خود فروش اسلحه سوئدی بعد ولت ایران و کشورهای دیگر را محکوم کرد. مراسم با خوانند شدن سرود انترناسیونال از سوی راهپیمایان خاتمه یافت.



● راهپیمایی اول ماه مه در هایدلبرگ - آلمان فدرال

● تظاهرات اول ماه مه در برلین غربی

احسان برعکس سالهای قبیل برای بزرگداشت روز جهانی کارگر روز اتحاد طبقاتی کارگران جهان د و تظاهرات در برلین غربی برگزار گردید. تظاهرات اول ماه مه سال توسط کفدراسیون سراسری ستدیک های کارگران آلمان سازماندهی شده بود و تعدادی از نیروهای سیاسی خارجی نیز در این راهپیمایی شرکت کرد. رفقای ما با حمل پلاکاردها و شعارهای سازمانی در این راهپیمایی شرکت کرد.

در شهرهای لبرگ که یکی از شهرهای دانشجویی آلمان فدرال است، بعد ساعت سندیکی سراسری کارگران آلمان (DGB) راهپیمایی روز جهانی کارگر، ساعت ۱۰ روز اول ماه مه با شرکت نیروهای سیاسی آلمانی و خارجی برگزار

سخنرانی کرد دوری شعارهای ضد اخراج و ساعت کار رفته تأکید نمود. رفقای ما فعالان در این راهپیمایی شرکت کرد با حمل پلاکاردها و شعارهای اعلامیه دست به افشاکری و حمایت از خواست طبقه کارگر آلمان زدند. بعد از راهپیمایی در حاشیه شهر جشنی

تظاهرات دوم کازانتیک بعد از ظهر در منطقه فئیر و خارجی نشین برلین غربی "کویتس بورگ" آغاز گردید، توسط "آنا نومبا" و نیروهای ضد امپریالیست و چپ آلمانی که معتقد هستند کفدراسیون سراسری به طبقه کارگر خیانت کرد با ست، سازماندهی شد نبود. علیرغم وجود این گرایش که سازماندهی تظاهرات جدا از اتحادیه های کارگری، نیروهای سیاسی را ایزوله کرد و باعث جدایی هر چه بیشتر آنها از توده های کارگری شود و اینکه این امکان در صف اتحادیه ها وجود دارد که هر نیروی شعارهای خود را طرح کند، اکثریت نیروی آنانوم به برگزاری تظاهرات جداگانه تمهیم گرفتند. در این تظاهرات حدود ۸۰۰۰ نفر از نیروهای سیاسی برلین غربی و نیروهای سیاسی خارجی بویژه ترکها شرکت کردند.



گردید. تعداد خارجیان شرکت کنند در راهپیمایی پیشتر از آلمانها بود و پایان راهپیمایی سرود انترناسیونال خوانده شد. دیتن از سوی DGB

برای بزرگداشت اول ماه مه برگزار گردید که در فضای ما با دایر کردن میزکتاب و تظاهرات در آن حاضر یافتند.

● راهپیمائی اول ماه مه در لندن

روزیکشنبه اول ماه مه ، روزهمبستگی جهانی طبقه کارگر در لندن تظاهراتی بدین مناسبت با شرکت نیروهای سیاسی انگلیسی و خارجی برپا گردید . حدود ۱۶۰۰ نفر در این راهپیمائی شرکت کرد . بهر حال ، که ۶۰٪ آنها را کارگران و عناصر مترقی ترك هوادار سازمانهای چپ تركیه تشكيل مى داد . رفتای ، با حامل پلاکاردها در این راهپیمائی شرکت کرد . هواداران به پیش اعلامیه کمیته مرکزی سازمان بهمناسبت همین روز نمودند . جالب توجه اینکست ، بدلیل بحران فزاینده بیکاری در انگلیس و حرکات جدید طبقه کارگر در آنجا و فدا شدن سازمانهای چپ تركیه در سازماندهی کارگران ترك ، تعداد شرکت کنندگان نسبت به سال قبل در همین روز و برابر شد . بهر حال ، راهپیمائی برعکس سال قبل بجسای خلیا بنهای اصلی شهر ، از محلات فقیرنشین و خارجی نشین عبور کرد .



● اول ماه مه : پاريس

اسال نیز مراسم اول ماه مه با شکوه هر چه تا متر برگزار گردید و همبستگی و اتحاد نیروهای طبقه کارگر را علیه سرمایه داری بنمایش گذاشت . در مراسم سال طیرقم اینکست CGT و CFDT (دو سازمان عهد کارگری) جداگانه مراسم برگزار کردند ، و هو بسیار ناساعد و بیارائی بود ، در مراسم که به دعوت CGT برگزار شد رقم شرکت کنندگان طبق اخبار رسمی (تلویزیون و ...) دوونیم برابر رقم رسمی سال قبل ، یعنی ۵۰۰۰۰ نفر اعلام شد . در این مراسم شعار اصلی CGT : " برای همه چیز ، مبارزه می یابید " بود ، که در کنار این شعار ، شدیداً به " لوپن " نشوفا شیت و شیراک و پاسکوا حدله می کردند .

می باید " ، میتران یا شیراک و هر چیزی مبارزه می خواهد " . در این مراسم تعداد بسیار زیادی از سازمانهای کارگری ، کمونیستی و دموکراتیک خارجی شرکت داشتند که چاقوهای از اتحاد بین المللی کارگران را نشان می داد . در این میتینگ راهپیمائی کد طبق فراخوان ، از ساعت ۲/۵ عصر روزیکشنبه ، در میدان " باستیل " برگزار شد ، رفتای ماد فراشده ، بخاطر اهمیت موضوع جنگ ایران و عراق ، نقل شعارها و تبلیغات خود را به آن اختصاص دادند . به همین خاطر هوشك عظیم - الجشای را کشتنانه ویرانگری و نقض صلح بود ، در حال اصابت به کبوتری پر فرازیک کامیوت ، قرارداد و کبوتر (صلح) دیگری پیشاپیش جمعیت (در میان داستان در فریق که لباس کارگری بتن داشتند ،) حرکت می کرد و نشان می داد که صلح واقعی میاید ارراتنها

زند هاد اول ماه مه - زند هاد مبارزه طبقه کارگر - زند بانانترناسیونالیزم - مرگ بر جمهوری اسلامی - پیروز یاد رزم کارگران ایران - جنگ ایران و عراق را قطع کنید - زند هاد صلح ، زند هاد رزم خلق کرد - زند هاد مبارزه خلیتقای ایران ، تركیه و عراق - زند بان اتحاد کارگران سراسر جهان و ... این میتینگ راهپیمائی کساعت ۲/۵ آغاز شد ، پس از ۲ ساعت تجمع وصف آرائسی ، راهپیمائی خود را آغاز کرد و پس از طی کیلومترها مسافت در خیابان های اصلی شهر پاریس ، ساعت ۷ بعد از ظهر بانریاد ورود انترناسیونال پاره - پیمائی خود در محل بلوار همسان پایان داد .

● اول ماه مه در کلن - آلمان فدرال

کا ربرای همه ،

عدالت برای همگان

بنابعد دعوت DGB کنگد راسیون سراسری اتحادیه های کارگری آلمان هزاران تن از کارگران و زحمتمندان کلن طی تظاهرات و میتینگ باشکوهی اول ماه مه روزهمبستگی جهانی کارگران را گرامی داشتند . اسال آلمان زبشعار " کاربرای همه ، عدالت برای هرکس " به میدان آمد . بهر حال و این در شرایطی است که طبقه کارگر آلمان فدرال صف آرائی جدیدی را در مقابل بورژوازی آغاز کرده است . این صف آرائی در سال قبل ماشعار ۳۵ ساعت کار در هفته توانست قدرت طبقه کارگر متحد را یک بار دیگر به نمایش گذارد و اسال می روپ تا به این مبارزه عمیق ببخشد .



شعارهای چشمگیر دیگر عبارت بود از : " برای افزایش حد اتل دستوزدها به ۶ هزار فرانك تبارزه کارگران و سوسیالیزم تا بین می کنند . شعارهای اصلی رفتای با عبارت بود نسبت از :

یا دداشت هیئت تحریریه

سنون آزاد

رفیق نویسنده مطلب زیر ما را بخاطر عدم تأیید نوعی از ازدواج یا شاید بتوان گفت و بطرفاً زاد میان زن و مرد کدردهای اخیر ربعی از کوردهای اروپایی رواج پیدا کرد همتهم به تأثیرپذیری از فرهنگ طبقاتی کرد است. بدیهی است که ما این اتهام را نمی‌بندیم و با وضع "آوانگارد" رفیق "ش" نویسنده مقاله، موافق نیستیم و فرصتی مناسب دلائل رد این "آوانگاردیسم" را توضیح خواهیم داد، اما چون این نوشته در پاسخ به نامه خواننده دیگری است در این شماره بهادرت بعد رج آن می‌کنیم و ترجیح می‌دهیم پاسخ ایشان توسط دیگران داده شود.

خانواده و ازدواج، پاسخ به اعتراض نامه "ن"

هیئت تحریریه پیام کارگر در شماره ۹ گزارشی از سمینار "شکل مسئله دموکراتیک زنان اروپا" در هانوفر یکی از شهرهای آلمان فدرال را درج کرد کدردانتهای گزارش بنلوگر را و کونه، توضیحی تشویقی به این سمینار نوشتند.

بدنبال این گزارش در شماره ۱۲ پیام کارگر نامه‌ای و پاسخگویی آن را "ن" نوشته شد و نامه موجب گردید که هیئت تحریریه پیام نسبت به رابطه جنسی بین زن و مرد کدرد شماره ۹ این نشریه، سکوت ماند نبود، بپردازد. هیئت تحریریه در پاسخ گزارشی شماره ۹ پیام نوشته بود: "در رابطه با مخالفت با شکل ازدواج سنتسی و اجتنابی شدن وظایف خانوادگی در آینده هیچ نکته منفی وجود ندارد و این از او رهای اساسی و قدیمی است. مارکسیست - لنینیست ها از زمان نفیست تا امروز است اما اکثر این نفی چنانکه شما برداشت کرداید به معنای نافع از شکل جدیدی از ازدواج مثل Zusammenleben * می‌بود، طبیعاً ما نیز شما هم عقیده دیم ولی یک چنین برداشتی حداقل از این گزارش به ذهن متبادر نمی‌شود."

و تئیهیئت تحریریه با ازدواج سنتی مخالفت می‌کند و اجتنابی شدن وظایف زنان در آینده را مطرح می‌کند. ابراز این اجتنابی شدن را که "انحلال خانوادگی" از دیدگاه مارکس و انگلس است از نظرمان اندازد و نشان می‌دهد که چگونه تحت تأثیر فرهنگ طبقاتی از یک واقعیت تاریخی می‌گریزد.

برای اجتنابی شدن وظایف زنان ابتدا آنها باید زحمات و مخانه خارج کردند و تولید نقش یابند. بدین نقش یافتن در تولید است که وظایف تنگ خانوادگی خارج می‌شوند و به وظایف اجتماعی می‌پیوندند. فضای بزرگتری (اجتماعی) جایگزین خانوادگی می‌گردد.

مارکس صراحتاً در این نفیست می‌گوید: "و اما لغای خانوادگی (حتی انفرادی) ترین رادیکالها نیز از این قصد تولید کمونیستها به چشمه‌های آیند (۱) بعضی ها برای توجیه و پاسکاری خود اظهار می‌کنند، بدلیل عقب ماندگی نهی تودها مطرح این واقعیت تاریخی موجب سرخوردگی آنها و در شدن از کمونیستها می‌شود. پاسخ این افراد را مارکس و انگلس در سال ۱۸۴۸ در نفیست کمونیست یعنی برنامه کمونیستها دادند. بی شک جامعه‌ان روز اروپاها با عقب ماندگی ترا جامعه امروز است، از طرفی طرح مارکسالیسم دیاکتیک که با نیمه از نهیست تودها در افتاد نیز توسط کمونیستها پیش رفته و در روز با این اوصاف چگونه می‌توان رابطه جنسی که بر اساس عشق و با تصمیم متقابل پایه ریزی می‌گردد (Zusammenleben) و یکی از اشکال انسانی رابطه جنسی است را مطرح و هدایت کند؟ این بخشی از برنامه کمونیستها و زنان و از جمله زنان کمونیست است، در این رابطه ما انگلس بشویم:

"برابری کامل در ازدواج فقط هنگامی می‌تواند فراگیر شود، که لغای تولید سرراهی و مساوات ایجاد شد. متوسط آن نیز کلیتاً ملاحظاتی اقتصاد، جنسی، کانون تأثیر نظیر در انتخاب همسران، از میان برداشد. در این هنگام هیچ انگیزه دیگری جز عاطفه متقابل نخواهد ماند (۲) زندگی بر اساس عاطفه متقابل و انتخاب آزاد، حال هر اسمی می‌خواهد برای این زندگی انتخاب کنید."

"ن" اما روی تعهد تأکید می‌کند. تعهد چیست و چه چیز تعهد است؟ آیا در دشت و دفرگاسی نیست حتی تا حدی که فکر کنند می‌توانند با یکدیگر رابطه جنسی داشته باشند؟ غیر از این یک رابطه چه چیز دیگری نیاز دارد؟ از دید "ن" در هر صورت باید یکدیگر مانند، پذیرش تحقیر، توهین، ملاحظاتی، پذیرش رابطه غیر انسانی بر اساس پیش داوریهایی جامعه بورژوازی، آیتا و تئیهیست است بین زنی که همسرش را دوست ندارد و از بودن کنار او لذت نمی‌برد، با زنی که رابطه می‌گیرد تا درآمدی کسب کند. اولی تحت تأثیر فرهنگ بورژوازی و آید لژی اسلامی و بعداً عدم تأمین مالی بیش می‌رود و زنی عدم تأمین مالی اجتنابی بدنگ فرهنگ.

تنها تفاوت این دو رابطه این است که اولی اسمش را برای اینکار در رفتی ثبت کرد و می‌داند که این امر انسانی است. خود الترتیبی که به جای این در شیوه رابطه شکل گرفته Zusammenleben می‌باشد که زندگی بر اساس حقوق متقابل، نیاز متقابل، همچنین عاطفه متقابل است.

در این رابطه بین جنسیت این تکامل فوق العاده محسوس است. ثبات هسته خانوادگی، در جنگ جهانی اول فقط در روسیه بلکه در سایر کشورها نیز زیر زلفان د. در دهه اول شرکت زنان در تولید خیلی افزایش یافت. چیزیکه با آن اجازت آن استقلال اقتصادی بیشتری بدست آورد و درین حال افزایش تولد (نوزادان) غیرتوانی را بدنبال داشت. در وجود کدیگر برابری در دشت داشتند و توجه به پیش داوریهایی جامعه

در رابطه بین جنسیت این تکامل فوق العاده محسوس است. ثبات هسته خانوادگی، در جنگ جهانی اول فقط در روسیه بلکه در سایر کشورها نیز زیر زلفان د. در دهه اول شرکت زنان در تولید خیلی افزایش یافت. چیزیکه با آن اجازت آن استقلال اقتصادی بیشتری بدست آورد و درین حال افزایش تولد (نوزادان) غیرتوانی را بدنبال داشت. در وجود کدیگر برابری در دشت داشتند و توجه به پیش داوریهایی جامعه

در این رابطه بین جنسیت این تکامل فوق العاده محسوس است. ثبات هسته خانوادگی، در جنگ جهانی اول فقط در روسیه بلکه در سایر کشورها نیز زیر زلفان د. در دهه اول شرکت زنان در تولید خیلی افزایش یافت. چیزیکه با آن اجازت آن استقلال اقتصادی بیشتری بدست آورد و درین حال افزایش تولد (نوزادان) غیرتوانی را بدنبال داشت. در وجود کدیگر برابری در دشت داشتند و توجه به پیش داوریهایی جامعه

در این رابطه بین جنسیت این تکامل فوق العاده محسوس است. ثبات هسته خانوادگی، در جنگ جهانی اول فقط در روسیه بلکه در سایر کشورها نیز زیر زلفان د. در دهه اول شرکت زنان در تولید خیلی افزایش یافت. چیزیکه با آن اجازت آن استقلال اقتصادی بیشتری بدست آورد و درین حال افزایش تولد (نوزادان) غیرتوانی را بدنبال داشت. در وجود کدیگر برابری در دشت داشتند و توجه به پیش داوریهایی جامعه

در این رابطه بین جنسیت این تکامل فوق العاده محسوس است. ثبات هسته خانوادگی، در جنگ جهانی اول فقط در روسیه بلکه در سایر کشورها نیز زیر زلفان د. در دهه اول شرکت زنان در تولید خیلی افزایش یافت. چیزیکه با آن اجازت آن استقلال اقتصادی بیشتری بدست آورد و درین حال افزایش تولد (نوزادان) غیرتوانی را بدنبال داشت. در وجود کدیگر برابری در دشت داشتند و توجه به پیش داوریهایی جامعه

شوروی

شورای عالی اتحاد شوروی پس از یک سحبت علنی سه ماهه، قانون مربوط به تعاضونی ها را که بر طبق آن فعالیت های اقتصادی بصورت تعاونی و در جوار سرنا مدیریت مرکزی محاز شده می شود تصویب نمود. قسلاً آن در مسکو اعلام شده بود که مسئله محدودیت زمانی جهت تصدی مقامات دولتی که یکی از موضوعات کنفرانس حزب در ماه ژوئن می باشد، بزودی بصورت قانون در خواهد آمد. سر طبق اطلاعات کسونی حفظ مقامات دولتی به مدت سینه از ۱۰ سال مجاز شده خواهد شد.

بروکسل

کنفرانس وزرای دفاع بیمان نانسو در بروکسل برای تصمیم گیری حول فشارهای آمریکا به متحدین اروپائی خود در مورد افزایش بودجه نظامی این کشورها در هفتده سوم ماه مه تشکیل شد. علاوه بر موضوع فوق، مسئله ادا مه صلح کردن ارتش های عضو نا توسعه سلاحيای عادی پیشرفته نیز در دستور کار قرار دارد. وزیر دفاع آمریکا همکاران اروپائی خود را تشدید نموده است که در صورت عدم افزایش بودجه نظامی این کشورها، آمریکا بخشی از نیروهای خود را از اروپا خارج خواهند نمود.

شکست مذاکرات اوپک

مذاکرات وزیران نفت اوپک و شش کشور عضو دروین، در حالی با نایافت کداسن احسلاسی نتوانست به هیچ توافق دست یابد. هفت کشور اوپک خواستار کاهش میزان تولید نفت این سازمان به مقدار روزانه ۳۰۰ هزار بشکه در ماه های موزون شده، در صورتیکه چهار کشور عربستان، کویت، قطر و امارات متحده، کاهش تولید ۱۸۳ هزار بشکه در روز را پیشنهاد می کردند. با این شرط که تمام کشورهای عضو عمل از تولید کتند های بزرگ و کوچک، سهمک میزان تولید خود را کاهش دهند. اجلاس آینده اوپک در تاریخ هشتم ژوئن (۱۵ خرداد) برگزار می شود.

خانواده و ازدواج ...

بورژوازی و پانفواهای کلیسا، با هم پیوند برقرار می‌کردند. رشد کودکان غیرقانونی آنچنان بیهک بود که برای سنجیدن آن‌ها که حکومت‌های بورژوازی محبور شدند همان حمایت‌های مالی در مورد کودکان قانونی را در مورد کودکان غیرقانونی نیز بپذیرند. (۴)

این شیوه‌ها ززندگی نه‌خوشبختانه را از دهه ۲۰ است. و نه‌دیچکس دیگری که اراد کند تا در ایران امسروز پیدا شود، بلکه در تمام کشورهای دهنده و حضور هر چه بیشتر زنان در تولید اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. و در یک انقلاب اجتماعی که پروولتاریا می‌خواهد نیروهای دهنده را بدست گیرد، جهش و آپریش می‌رود. انقلاب اکتبر به‌بهترین شکل این جهش را به‌نمایش می‌گارد.

تحول در روابط جنسی در شوروی با انحلال خانواده آغاز گردید. این امر صورت را بدیگال و شدیدی در تمام سطوح جامعه‌ها می‌زود تروگا می‌دیرتصورت گرفت. (۵)

فروپاشی خانواده تحویلی بی‌انگیز نیست که نیازهای جنسی انسان بند هایی را که به جهت وابستگی اقتصادی و توریتهای به خانواده آنها پیچیده شده بود از هم می‌گسلد. این امر با جدایی اقتصاد از روابط جنسی با جبران می‌آید. (۶)

در ایران نیز در دهه ۲۰ تا ۶۰ ما شاهد گسترش روابط جنسی مخالف بر اساس علاقه و برخورد از قبیل، بعضی‌ها را بطه جنسی نه‌بر اساس تصمیم و تعیین خانواده ویا محیط، بلکه خواست طرفین بود. اما که ما می‌کنیم آن حضور بیشتر زنان در اجتماع و شکل‌گیری استقلال اقتصادی و آزادی بود. بنا بر این بدید مورد بحث سالها قبل در جامعه ما نطفه بسته و آنگونه که بعضی‌ها داد و قال می‌کنند بدید دانشا ختای هم نیست.

همان‌گونه که در خارج از کشور با فضای نسبتاً آزاد و هزاران زن ایرانی ستمدید و برده‌ها، تیم، آنسان فرصت یافتند که ندکی به‌هویت، خود به‌نوان انسان بیاندیشند و بپردازند. آنها از جایی می‌آیند که جابه‌جا و دولت آنها را حتی در رد انسان نمی‌شناسد. سرکوب تاریخی، تزلزل، عدم ثبات اراده و اغتشاش روحی را بر آنها تحمیل کرده، مترقی‌ترین زنان در خارج از کشور متحمل رنجها و مشقات فراوان جنسی می‌شوند اما جرات اینک خود را از این ستم رها کنند، ندارند. آنها له‌شدند و می‌شوند. مورد های متعدد در هنوز اشوهان خود کنگ می‌خورند و مخفی می‌کنند. در یک اطاق شاهد هم‌خواه شدن شوهران خود با زنان دیگرند. لحاف را به‌سر می‌کشند و هق هق گریه می‌دهند. آنها تا زنده حمایت قانون بلکه بی‌هویتی که تا ریختن و فرهنگ بورژوازی تحمیل کرد هرنج می‌برند.

اگر در این مجموعه باشند زنانی که بخوانند به مسائل و مشکلات خود بپردازند مورد انتقاد "س" قرار می‌گیرند، چرا که بر ادختن به Sexualitat که به‌بزرگی است وزن حتی حق بحث و شناختن این بدید ندارند. اگر بنا بدید بدید بپردازند "تجسم آشکار تا یالات لیبرالیسم آن بد با زور و تنگنای ایرانی در غرب است." (۷) برخلاف دهنیات شما بر ادختن به بحث Sexualitat به‌تنها لیبرالیسم نیست، بلکه بر ادختن به بخشی از ستم طبقاتی و به‌عبارتی بخش مهم آن است. در جامعه‌ای که ۹۹٪ زنان زیر ستم جنسی هستند، بر ادختن به این بحث برخلاف آن شعارهای زرق و برق دار شما دقیقاً به‌مسائل زنان ایران مربوط است.

"اولین ستم طبقاتی ما ستم جنس مذکر بر مؤنث، مقارن است. تگ همسری یک پیشرفت سترگ تاریخی بود، ولی در عین حال هدرا به‌برده‌داری و ثروت، خصوصی، آن در ورائی را که تا بدامروزه دارد آغاز کرد. در ورائی که در آن هر پیشرفتی در عین حال به‌معنای پس رفت، نسبی است. وقتی که در آن وقت که تا یک گروه به‌تیمت بدختن و سرکوب گروه دیگر بدست می‌آید." (۸)

"مرد در خانواده بورژوازی پروولتاریا است." (۹) روشن است تفکری که بحث Sexualitat را تا یالات لیبرالیسمی در Sexualitat برایش "بی‌تعمد با توبون" معنی‌دهد. ازکی قوانین تنظیم شدن در رابطه مرد بر زن و فتواهای مساجد و کلیسا و بورژوازی آنقدر رانتهکار تا فرهنگ تا یالات قوانین گردن نشی "بی‌تعمد با توبون" است، که امرد تنها کنون با ازدواج رسمی به‌زن ستمت شد؟

امروز این بحث ها خارج از اراد ما فراد به‌سرمت گسترش می‌یابد و به‌یک جنبش بدل می‌گردد. و تالیفیک زن آگاه به‌تعمد است، که این جنبش را هر چه در یکال نرهد ایت کند. همچنین مانع از آن شود که افراد بان‌هنیات خود عقولات، تاریخی را معنی‌کنند. زنان در مورد هر چیزی که بخوانند می‌توانند بحث کنند. این حدائق آزاد است. بی‌شک بدون مبارزه با انحرافات، جنبش زنان منحرف خواهد شد و به‌هدف خود نخواهد رسید. اما نباید مرز بین مبارزه با انحرافات جنبش و خود جنبش را منشوش کرد. زنان آگاه که نویسنده یا انحرافات زنسان فمینیست، که ستم جنسی زن را جد از ستم طبقاتی می‌بینند، مبارزه می‌کنند. ولی هرگز با اصطلاحات و انسواختها مات و تبلیغات، مانع از بر ادختن آنها به‌مسائل خود نمی‌شوند. بنا بر این لازم است، ضمن مبارزه با انحرافات زنان فمینیست، نقطه‌دهد تا خود را که مبارزه با فرهنگ مرد سالاری است با آنها تقویت کند. نقش داشتند در تولید و الخای مالکیت خصوصی به‌منی ایجان حقوق برابر بین زن و مرد نیست، بلکه م اول است. مبارزه با ستم طبقه در صفحه ۱۴

اخبار خارجی

● لبنان

روز ۲۷ مدبا لآخره نیروهای ارتش سوریه که از جندی قتل تصمیم به دخالت در جنگ ما بسن سازمان امل و "حزب الله" در حومه جنوبی سروب را داشتند، با سن منطفه وارد شدند. سروه‌های سوری که از منطقه فرودگاه سروت داخل حومه جنوبی شدند مواضع سابق "حزب الله" را که قبل از ورود آنها تخلیه شده بود در اختیار خود گرفتند. بعد از سرور رانده شدن حزب الله از جنوب لبنان توسط نیروهای امل، آنها در حومه جنوبی سروت مشتمر گزیده و سعی داشتند با سرور راندن امل از آنجا تسلط بر مناطق خود را در این منطقه و سبب تلافی شکست در جنوب لبنان مشتمر کرده و آنرا بعنوان تنها منطقه نفوذ خود در لبنان حفظ نمایند. فرمان دخالت ارتش سوریه که مضر حزب الله و در حمایت از امل است، جندی قتل از جانب حافظ اسد ما در صدا تلاش حمیوری اسلامی برای ممانعت از این عمل و جلوگیری از فشار به‌ایدی خود در لبنان، آنرا به‌ما خبر انداخته بود.

● ویتنام

دولت ویتنام اعلام کرد که در سال جاری ۵۰۰۰ نفر از سران خود را در کاخ موج خارج خواهد کرد. بر طبق گفته منابع ویتنامی سال اقدام بر سبب به ۴۰۰۰۰ سران زوبنت می‌دراس کشور با سسی خواهد شد که تا دو سال دیگر خارج خواهد شد.

● نیکاراگوئه

دولت نیکاراگوئه تا یک طرح زمانه سیدی شده فدا نقلاسون کنتررا موا بخت سموده است که بر طبق آن قرارداد برای خامه دادن به حکم داحلی در این کشورها مضاف خواهد رسید. اما معای حساس قرارداد شورشان می‌ساست اسلحه خود را زمین گذاشته و به زندگی غیربسط می‌رجوع کند. آخرس دورمذ که در طرف روز ۲۷ ماه مه بود که سبب دولت نیکاراگوئه آن احلاس را منب خوانندوسبب به‌مضافاً فراداً طها را صدواری سمود.

● آلمان فدرال

یکی از ساسدگان سمدیوست با رلکان آفریقای جنوبی که مخالف سبسم آنها را تاد مساند در شیر صرا نکتورت با یکی ار شما سدگان کنگره ملی آفریقا دست رو کنگره سمود. ما به‌سبب دستارها ارسال گدشد تا کسون خدمت در کشورهای مختلف صورت گرفتند. اس دستارها نوحه‌سبب اسکند ANC هوزدر آفریقای جنوبی عراق جنوبی است. ار اخصت ما بل ملاحظه‌ای سر خوردار است.

گزارش

عقوبین الملل

amnesty international

FOCUS



Ill-treatment of women in detention

شماره‌ای از گزارش سالانه امنستی درباره زنان

نشریه خبری عقوبین الملل در ماه آوریل گزارشی ویژه‌ای در مورد زنان زندانی در کشورهای مختلف نشر کرده است. باره‌ای از موارد گزارشات مندرج در نشریه فوق عبارتند از:

- دستگیری و شکنجه‌کارین آیتل، دانشجوی اهل شیلی که توسط ۲۰ تا ۳۰ مرد شکنجه‌گر مورد بازجویی و ردیلاتنه‌ترین اهانته‌ها و رفتاریها قرار گرفته است. (نوامبر ۱۹۸۷)

- دستگیری و شکنجه‌منع‌جویه دانشجوی ۲۹ ساله سوری و عضو حزب برای عمل کمونیستی که از سال ۱۹۸۵ دستگیر و شدیداً شکنجه شده و هیچ اطلاعی از سرنوشت وی در دست نیست.

- تعیلاً بیش‌تر زن رزمنده فلسطینی که پس از دستگیری مورد شکنجه و بدرفتاری جنین صهیونیست قرار گرفته و بی‌اعتنا و شکنجه و کتک سقط جنین کرده و در همان حال از دریا افت هرگونه خدمات پزشکی محروم بوده است. - ادا می‌شکنجه و از زنان قهرمان زندان‌نسی در زندان اوین و سایر زندانهای جمهوری اسلامی.

همچنین در این نشریه دهها مورد شکنجه و تجاوز به زنان زندانی در کشورهای مالزی، هندوستان، سومالی، باراکوا، فلسطین اشغالی، ترکیه، فیلیپین، شیلی، سری لانکا، السالوادور، لبنان (بر علیه زنان فلسطینی و توسط امل)، برمه و سوریه ذکر شده است.

با آغاز سال ۱۹۸۸، چهل سال از انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌گذرد. به این مناسبت امنستی در گزارش سالانه خود وضعیت حقوق بشر را در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار داده است. بررسیهای امنستی نشان می‌دهد که در اغلب موارد، رفتاری که با زنان می‌شود، مرتباً تخلف و تروست ترازمردان بوده و این وضعیت خیلی کم‌مورد توجه قرار گرفته است.

اما سال امنستی در سایر سرچهان تلاش تبلیغاتی گسترده‌ای را مناسبت روز جهانی زنان آغاز کرد و قصد دارد در این سال بخصوص توجه جهانیان را به حمایت از گروه زنان گواتمالایی آپویموتو (Apoyo Muttuo) جلب نماید. اولین دسته از این زنان در سال ۱۹۸۴ تشکیل یافت و بعداً هشتصد تن از آنها به این گروه ملحق شده‌اند. آنها خواستار بررسی سرنوشت و بازگشت آنها به سرزمین خود هستند.

مشابه همین سازمان‌ها همان هدفها، امنستی به سازمان مادران آرژانتینی بنام "مادران پلازا دوما یو" (Mütter von der Plaza de Mayo) و جنسیت فدتها درستی (Black Sash) در آفریقای جنوبی اشاره می‌کند.

اندک توجهی به نقض حقوق بشر در مورد زنان، بی‌سابقه‌ترین یافته‌های امنستی، روشن می‌کند که بطور آشکار وضعیت زنان در زندانها و باجوشیها به مراتب ناگوارتر و سخت‌تر از مردان است. و در مقیاس وسیعی تحت تعقیب مضاعف قرار دارند.

بسیاری از زنان در سرزمین خودمانند مردان، بی‌اعتنا و بی‌سابقه، عقابند، مورد تعقیب قرار می‌گیرند و مجازات می‌گردند.

از طرف دیگر بیشتر آنان در مراکز پلیس، با دگانه‌های نظامی و در زندانها، شدیداً مورد تحقیر واقع شده و به آنان تجاوز می‌شود و مورد شکنجه جنسی قرار می‌گیرند که این شرایط علاوه بر فشارهای اجتماعی دیگر، صرفاً بخاطر جنسیت آنهاست.

طبق گزارشات امنستی، تجاوز و شکنجه جنسی، به منظور تخریب غرور و شخصیت و احساسات زنان بکار می‌رود. برای مثال در السالوادور، هزاران زن در مدت زندان مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. زنان در اوگاندا در دوران بازداشت وقتی داروهای بی‌حاشی دریافت می‌کنند که خود را برای استفاده‌های جنسی در اختیار مقامات زندان قرار دهند.

نقض حقوق زنان از این میزان با زهم‌بیشتری شود وقتی که کودکان آنها بعد از دستگیری و بازداشت مادران خود، تنها می‌مانند. مادران و کودکان نیز هستند که با هم دستگیر می‌شوند. آن‌ها چنانکه در گزارش امنستی از "برمه" آمده است، خانم نورچیان در سال ۱۹۵۷، وقتی بکاله بوده است همراه مادرش به زندان می‌افتد. او با بنگ سی و دو ساله و همچنان در زندان است. سرانجام، اشکال دیگری از تعقیب و نقض حقوق بشر و سرنوشت درباریه‌زنان را می‌توان در ایران مشاهده کرد. در ایران برای مثال ۴۵ روز زندان و ۷۵ ضربه شلاق برای زنانی که چند باره سرنوشت کثرت‌دراست از آن استفاده نمی‌کنند، بعنوان مجازات معمول است.

پاسداران، در ایران بخاطر زندان شدن جادری، حتی بر روی دختران سیزده ساله اسدی می‌کشند. در ایران بعلاوه دختران باکره قبل از اعدام مجبور به ازدواج اجباری شده و بعداً به آنها تجاوز می‌شود زیرا قرآن کشتن دختران باکره را ممنوع کرده است.

به مناسبت روز جهانی زن امنستی تقاضای کند که توجه بیشتری به زنان تحت تعقیب و بدبختی درخواست بینا‌هندگی زنان فراری و رسیدگی سریع‌تر به آنها بعمل آید. امنستی در این مورد کوششهای خود را برای رسمیت شناختن حق بینا‌هندگی استگونه زنان سکار می‌برد. به اعتقاد امنستی برای همسران و فرزندان بینا‌هندگان با بستی یک حق "اقامت مستمر قانونی" تا مین شود.



— سنگسار —

سرخ رنگ ما است

بگذار اشعاری بسراشیم

درخشنده چنان چون سرخی خون،
رعد آما حنان چون ناقوسهای نفرین شده.

اشعاری

چون فرسای برچهره‌ی ستمگر

اشعاری

که قهرا ورا درهم می شکنند.

اشعاری

که آدمی را به سمداری فرامی خوانند؛

زندگی -

به مرگ

امسد -

به اس

طلوع -

نه غروب خاکستری

تحدد -

نه آنحه که بود

مبارره -

نه تسلیم.

شاعر!

بگذار تا مردم بداندند

که رویاها به حقیقت می پیوندند.

شاعر!

از آزادی بگو.

ANC Kumalo نام مستعار یکی از شاعران تبعیدی آفریقای جنوبی
است. اشعار، داستانها و مقالات او در نشریات The African
Anti-Apartheid News Transition, Pan Africa, Communist
و چندین نشریه آفریقای دیگر بجا برسیده‌اند.
برگردان از زبان سوئی توسط
"ر. نوشادیا"

بگذار تا آقایان دارا!

اناقهای پذیرائی شان را

تزیین کنند

با چرک‌نویسهای جا بلوسان مجیزگوی.

شاعر!

از آزادی بگو.

جثمان مردمیان را

با این حقیقت بنواز

که بسیا زان با یکدیگر تواتر نمودند

تا میله‌های زندان را

درهم بشکنند

وحما رهای سگی را

فروریزند!

شاعر!

به جستجوی انسا تنها برخیز

و مددی تا که "کلید" را بسازیم

پیش از آنکه دهه‌ها بگذرند

از پس دهه‌ها

وده‌های دگر.

"ا. ن. سی. کومالو"
ANC Kumalo

تثودورا کیس و عزیزنسنین :

منا دیان صلح

انحمن دوستی ترکیه و یونان روز ۲۷ اردیبهشت
(۱۷ ماه مه) از میکس تثودورا کسی آهنگساز مشهور
یونانی و عزیزنسنین طنزنویس نامدار شرکت دعوت
بعمل آورد تا درحقی که بدین مناسبت درکلین
برگزار شده بود شرکت کنند. این دو هنرمند
قبول این دعوت را وجود آن غنای بیشتر
بخشیدند. در این مراسم عزیزنسنین شمسهای از
خاطرات خویش را درارتباط با یونان و سردری
این دو خلق گفت و تثودورا کیس به دفاع از صلح و
افشای چهره جنگ طلب امپریالیسم برخاست.
او ضمن محبتناش از جنگ ایران و عراق بعنوان
جنگی که توسط امپریالیسم من زده می شود نام
بردو یونان آنرا خواستار شد. او فروش اسلحه به
این دو کشور درگیر جنگ را نیز محکوم دانست. وی
همچنین خواهان آزادی هزاران مبارز ترک که در
زندانیهای این کشور سیرند شد. این دو هنرمند
همچنین در این روز قطعنامه‌ای را مشترکاً به
نماینده‌های از خلقهای کشور خویش امضاء کردند که
در آن خواستار صلح، دمکراسی، عدم فروش سلاح به
کشورهای درگیر جنگ و استقلال کشورها شدند.

نشست بر علیه فشا رخدخا رچی

دورزندانیهای برلین غربی

در طی هفته‌های گذشته ضد فاشیستی و ضد نژاد

پرستی در برلین غربی کماز طرف Asyle v و چند

گروه ضد فاشیستی آلمانی برگزار گردید. تعدادی

آلداسی و خارجی مترقی شرکت کردند. در این حاسه

و کلیلی در مورد وضعیت خارجیان در زندانی صحبت

کرد و اظهار داشت که ۷۰ درصد بازداشت شدگان

خارجی جوانان زیر ۱۸ سال هستند و راهنهای هاش

را برای آنها مطرح کرد. بعد از وی چند سازمان

دیگر که در ارتباط با کک به خارجیان بازداشت شد

که بعد از دریافتیهای اول ماه سال قبل تشکیل

شدند، در مورد اقدامات خود توضیحاتی دادند.

رفقای ما در برلین فعالاند و در این نشست شرکت

نمودند.

با بیروت - آلمان فدرال

تظا هرات برای صلح و علیه جنگ

پناهندگان ایرانی شهرک های اطراف بیروت،

از جمله پناهندگان ساکن، باد برنسک، دید نبرگ،

ها یخزرویت، پکنیتس و خود شهر با بیروت روز ۲۱ آوریل

ساعت ۴ بعد از ظهر علیه جنگ ویرانگر و تجامی بین

ایران و عراق و مبارزان شهرها و مناطق مسکونی

تظا هرات کردند. آنها یکصد نفری از زندان قطع با

جنگ بین ایران و عراق، به باران شهرها و مناطق

مسکونی محکوم است.

برمن - آلمان فدرال

اعتصاب غذا برای حمایت از

زندانیان سیاسی در ایران

"جمعی از پناهندگان و دانشجویان مترقی"

شهر برمن برای حمایت از زندانیان قهرمان در بند

زندانیهای جمهوری فتنها و رساندن صدای آنها

بگوش جهانیان، با انتشار اطلاعیه در تاریخ ۲۲ آوریل

ایرانیان آزاد و مترقی را برای اعتصاب غذای

سه‌هفته‌ای (۲۸، ۲۹، ۳۰ آوریل)

دعوت کردند. آنها با انتشار اطلاعیه خود بزرگان

آلمانی در میان اهالی شهر دست به انشاگری جنایات

رژیم اسلامی در مورد مردمان ایران، کارگران زحمتکش

زنان و جوانان زندان اعتصاب کنندگان در روز

پایانی اعتصاب قطعنامه‌ای را با شعارهای نابود باد

امپریالیسم جهانی، سرنگون باد رژیم جمعی - سوری

اسلامی، زند بباد مبارزات سیاسی زندانیان

انقلابی در بند و زندان همبستگی بین المللی و افشای

جنایات جمهوری اسلامی علیه مردمش و مردمان و جنگ

خاندان سوزین ایران و عراق منتشر کردند.



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

★ برنامه صدای کارگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ۷۵ متر برابری ۴ مگا هرتز پخش می گردد.

★ این برنامه ساعت ۹ همان شب ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می گردد.

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش می شود

★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر سپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتکشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمائید!

مذاکرات سران شوروی و آمریکا:



مسکو:

سلاحي استراتژیک در این مذاکرات مقدّماتی انجام گرفت که نتیجه مشخصی نباشد. دوطرف اظهار امیدواری کردند که تا پایان دوره ریاست جمهوری ریگان در این مورد توافق نیایی را عمل آورند. همچنین دو موافقت با به غیرمیدم در مورد اطلاع به یکدیگر در مورد آزمایشات جدید هسته ای و تسلیحاتی و کنترل آزمایشات هسته ای در دو کشور توسط طرفین، به امضا رسید.

۲۹ مه مذاکرات ۴ روزه میخائیل گورباچف و رونالد ریگان در مسکو انجام پذیرفت. دستور جلسه این اجلاس گفتگو بر سر مسائل سلاحي استراتژیک، تا میزان ۵۰٪، مسائل منطقه ای شامل افغانستان، جنگ ایران و عراق، فلسطین، نیگاراگوا و آنکولا و جنوب آفریقا و بعضی مسائل دیگر مسودۀ علاقه دوطرف بود. بنا بر گزارشات تا کنونی، سرکارها ۵۰٪ از

آدرس پیام کارگر

POSTFACH
650226
1-BERLIN 65

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS
-CEDEX 12
FRANCE

با پیام کارگر همکاری کنید
و برای آن بنویسید!



سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

جشن نهمین سالگرد تأسیس
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

Fest aus Anlass des 9. Jahrestages der Gründung der
ORGANISATION DER REVOLUTIONÄREN ARBEITER DES IRAN (RAHE KARGAR)

Kulturprogramm
mit dem kordischen Sängler: SEVAN
Theaterstück
iranische Lieder
Folklore Tanz
türkische Lieder
Ausstellung des iranischen Malters
und Zeichners: ASGHAR DAVARI

Zeit: 25. 6. 88
Beginn: um 17 Uhr
Ort:

AULA DER
PÄDAGOGISCHE HOCHSCHULE
DÜRENER STR. GRONE WALD
Köln

سخنرانی توسط رفیق حسن حسام
برنامه هنرمند انقلابی خلق کرد نشوان
موسیقی، آوازهای ایرانی و رقص محلی
موسیقی ترکی

نمایش

نمایشگاه طرحهای اصغر داوری

زمان: ۱۳۶۷/۴/۴ (۲۵/۶/۸۸)

مکان: کلن

شروع: ۵ بعد از ظهر

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته خارج از کشور